

۱- از میان مجموعه واژگان زیر معنای چند واژه درست است؟

«بطالت (کاهلی) - تفرّج (تماشا) - صباح (پگاه) - طیلسان (آسمان) - نَمَط (بساط شطرنج) - سودا (خیال) - شرحه (پاره پاره) - ایدون (این چنین که)»

۱) پنج (۲) سه (۳) هفت (۴) چهار

۲- در کدام گزینه، معنای تمام واژه‌ها درست است؟

- ۱) نشئه (کیفوری) - قاش (کوهه زین) - غاشیه (مار خطرناک)
 ۲) مشایعت (همراهی کردن) - قدس (پاک) - تموز (ماه گرما)
 ۳) مدرّس (موضع درس گفتن) - ماورا (برتر) - انگاره (طرح)
 ۴) کَهَر (اسب یا استری که رنگ آن میان زرد و بور باشد) - سوء هاضمه (بدگواری) - مستور (پنهان)

۳- معنای درست واژه‌های «اسرا - شرزه - دار ملک - فایق» در کدام گزینه دیده می‌شود؟

- ۱) نام سوره‌ای در قرآن - غضبناک - پایتخت - بلند
 ۲) سیر کردن در شب - خشمگین - پایتخت - بالیده
 ۳) نام سوره‌ای در قرآن - قهرآلود - سرزمین - پاک
 ۴) سیر کردن در شب - ارغند - سرزمین - صفوت

۴- در کدام گزینه املائی کلمه مشخص شده درست است؟

- ۱) جواب داد که خود را دهلشناس و مباح
 ۲) او ز نازش سرکشیده همچو آتش در فروغ
 ۳) تو خواهی که مرا (مستور - مسطور) داری
 ۴) درون مجمر دل‌ها سپند و عود می‌سوزد
 ۱) گهی دهلزن و گاهی دهل که آرد (ذل - ظل)
 ۲) تو ز خجالت سرفکنده چون خطا پیش (صواب - ثواب)
 ۳) منم روز و همیشه روز رسواسست
 ۴) که سرمای (فراق - فراغ) او ز کام آورد مستان را

۵- از میان گروه واژگان زیر، املائی چند واژه نادرست است؟

(انابت و توبه) - (ثنا و روشنائی) - (جثیم و خوش اندام) - (منسوب (نسبت داده شد)) - (مُتاع و فرمانروا) - (اکراح و ناخوشایند بودن) - (مسلک و روش) - (گرامت و تاوان) - (ستور و چهارپا) - (گرده و مار سمّی) - (چریغ آفتاب و صبح زود) - (رواق یا سقف گنبدی)»

۱) سه (۲) پنج (۳) چهار (۴) شش

۶- در کدام بیت واژه‌ای با املائی نادرست دیده می‌شود؟

- ۱) هر چه داری ببخش و نام برآر
 ۲) می‌شود خاموش از تر دامنی شمع حیاط
 ۳) اهل تمیز خوار و حقیراند نزد خلق
 ۴) واندر آن ساحات کرد آن نامور فتحی عیان
 ۱) به نکویی و نام و نیک گذار
 ۲) پاکدامانی است فانوس چراغ زندگی
 ۳) جاهل به نزد خویش به غایت مسلم است
 ۴) زان سپس برگشت و کرد اتراق در دشت مغان

۷- نام و نوع چند صاحب اثر مقابل آن نادرست است؟

«بخارای من ایل من (محمد بهمن بیگی - منثور) - کویر (علی شریعتی - منثور) - تذکرةالاولیا (عطار - منظوم) - مثل درخت در شب باران (م.سرشک - منظوم) - تمهیدات (سهروردی - منثور) - فیه ما فیه (مولانا - منظوم) - قصه شیرین فرهاد (احمد عربلو - منثور) - دماوندیه (ملک‌الشعراى بهار - منظوم)»

۱) دو (۲) چهار (۳) سه (۴) پنج

۸- کدام بیت فاقد بیش از یک وابسته وابسته است؟

- ۱) به خاک پای صبوحی‌کنان که تا من مست
 ۲) به نام طره دل‌بند خویش خیری کن
 ۳) طراز دولت باقی تو را همی زیبید
 ۴) اگر نه گنج عطای تو دستگیر شود
 ۱) ستاده بر در میخانه‌ام به دربنانی
 ۲) که تا خدش ننگه دارد از پریشانی
 ۳) که همتت نبرد نام عالم فانی
 ۴) همه بسیط زمین رو نهد به ویرانی

۹- در کدام گزینه، حذف فعل دیده نمی‌شود؟

- (۱) ز اول باغ در مجلس نثار آورد آنگه عقل
(۲) چون بدین انگشتی بینی و این تابان نگین
(۳) قدرت شاهان ز تسلیم فقیران بیش نیست
(۴) پرتو رحمت حق بر پدری کز پس او

۱۰- در کدام گزینه تعداد جمله «گذرا به مسند» بیش تر است؟

- (۱) دوشم شبی گذشت چه گویم چگونه بود؟
(۲) او را شناسم از همه خوبان اگر فلک
(۳) آن در هنر یگانه و آن در خرد تمام
(۴) محکم‌تر است عزم تو از کوه بیستون

۱۱- با توجه به بیت زیر کدام گزینه درست است؟

«در سفالین کاسه رندان به خواری منگرید کاین حریفان خدمت جام جهان‌بین کرده‌اند»

- (۱) در ترکیب «سفالین کاسه رندان» وابسته وابسته از نوع مضاف‌الیه مضاف‌الیه داریم.
(۲) کل بیت یک جمله مستقل مرکب است که با هسته (پایه) شروع شده است.
(۳) در مصراع دوم یک «ترکیب وصفی» و دو «ترکیب اضافی» دیده می‌شود.
(۴) نهاد در مصراع اول محذوف است و زمان فعل مصراع دوم «ماضی التزامی» است.

۱۲- وابسته وابسته در کدام گزینه متفاوت است؟

- (۱) بردم از ره دل حافظ به دف و چنگ و غزل
(۲) دوش می‌گفت که فردا بدهم کام دلت
(۳) روزها رفت که دست من مسکین نگرفت
(۴) دلا دیدی که آن فرزانه فرزند

۱۳- آرایه‌های بیت زیر کدام‌اند؟

«ای ز مژگان تو در چشم گلستان خارها گل ز سودای رخت افتاده در بازارها»

- (۱) تشبیه - پارادوکس - مراعات نظیر - استعاره
(۲) تشبیه - پارادوکس - استعاره
(۳) ایهام تناسب - اسلوب معادله - تشخیص - کنایه
(۴) ایهام - تضاد - اسلوب معادله - مراعات نظیر

۱۴- در همه ابیات هر دو آرایه «کنایه و اسلوب معادله» دیده می‌شود به جز.....

- (۱) حریص را نکند نعمت دو عالم سیر
(۲) سنگین نمی‌شد این همه خواب ستمگران
(۳) دیده بستن ز جهان فیض و گشایش دارد
(۴) ریشه نخل کهن‌سال از جوان افزون‌تر است

۱۵- آرایه‌های مقابل کدام گزینه درست است؟

- (۱) مرا به بند تو دوران چرخ راضی کرد
(۲) به جان دوست که دشمن بدین رضا ندهد
(۳) آن تویی یا سرو بستانی به رفتار آمده است؟
(۴) آن نه شبنم بود ریزان وقت صبح از روی گل
ولی چه سود که سررشته در رضای تو بست (مجاز / استعاره)
که در به روی ببندند آشنایی را (پارادوکس / کنایه)
یا ملک در صورت مردم به گفتار آمده است (تشبیه / ایهام)
گل ز شرم ریخت بر خاک آب روی خویش را (حسن تعلیل / جناس همسان)

۱۶- در ابیات زیر به ترتیب کدام آرایه‌ها دیده می‌شود؟

(الف) سیل سرشک ما ز دلش کین به در نبرد
(ب) جاننا کدام سنگ دل بی‌کفایت است
(پ) آب حیوان تیره‌گون شد خضر فرخ پی کجاست؟
(ت) صد هزاران گل شکفت و بانگ مرغی برنخاست

(۱) تشبیه - کنایه - تلمیح - ایهام تناسب

(۳) اسلوب معادله - کنایه - اغراق - ایهام

۱۷- مفهوم کدام بیت متفاوت است؟

(۱) راستی خاتم فیروزه بواسطه حاقی
(۲) کاووس کیانی که کی‌اش نام نهادند
(۳) بعد از کیان به ملک سلیمان نداد کس
(۴) دستار گل امروز نگر گشته پریشان

۱۸- مفهوم کدام دو بیت یکسان نیست؟

(۱) در سخن مخفی شدم مانند بو در برگ گل
سرّ من از ناله من دور نیست
(۲) روزها گر رفت گو رو باک نیست
گر کام دوست کشتن سعدی است باک نیست
(۳) دلا خموشی چرا چو خم نجوشی چرا؟
خامش منشین سخن همی گوی
(۴) عاشقان کشتگان معشوق‌اند
آن‌که شد هم بی‌خبر هم بی‌اثر

۱۹- مفهوم کدام بیت نادرست است؟

(۱) خانه‌ای کاو شود از دست اجانب آباد
(۲) با آن‌که جیب و جام من از مال و می تهی است
(۳) سریر ملک، عطا داد کردگار تو را
(۴) چه نیکو گفت با جمشید دستور

۲۰- مفهوم کدام بیت متفاوت است؟

(۱) آیین طریق از نفس پیر مغان یافت
(۲) گر در سرت هوای وصال است حافظا
(۳) شوند عاقبت از خودسری بیابان مرگ
(۴) هزار سلطنت دلبری بدان نرسد

در سنگ خاره قطره باران اثر نکرد
کو پیش زخم تیغ تو جان را سپر نکرد
خون چکید از شاخ گل باد بهاران را چه شد؟
عندلیبان را چه پیش آمد هزاران را چه شد

(۲) تشبیه - کنایه - تلمیح - ایهام

(۴) اسلوب معادله - حسن تعلیل - اغراق - ایهام تناسب

خوش درخشید ولی دولت مستعجل بود
کی بود کجا بود کی‌اش نام نهادند
این ساز و این خزینه و این شکرگران
دیروز گر از غنچه به سر تاج کیان داشت

هر که خواهد دیدم گو در سخن بیند مرا
لیک چشم و گوش را آن نور نیست
تو بمان ای آن‌که چون تو پاک نیست
اینم حیات بس که بمیرم به کام دوست
برون شد از پرده راز تو پرده‌پوشی چرا؟
افسرده مباحش خوش همی خند
برنیایبند ز کشتگان آواز
از میان جمله او دارد خبر

ز اشک ویران کنش آن خانه که بیت‌الحرز است (بیگانه‌ستیزی)
ما را فراغتی است که جمشید جم نداشت (مناعت طبع)
به جای خویش دهد هرچه کردگار دهد (ستّار العیوب بودن خداوند)
که با نادان نه شیون باد و نه سوز (احتراز از هم‌نشین نادان)

آن خضر که فرخنده پی‌اش نام نهادند
باید که خاک درگه اهل هنر شوی
کسان که دست ارادت به رهنما ندهند
که در دلی به هنر خویش را بگنجانی

۲۱- مفهوم کدام بیت و عبارت با هم قرابت مفهومی ندارند؟

- (۱) دیدن صحرایی که درختش، کوهش، غارش، هر صخره سنگش آیات وحی بر لب دارد و زبان گویای خداوند می‌شود.
توحید تو خواند به سحر مرغ سحرخوان
- (۲) چون بلایی پدید آید بر مرکب صبر نشینم و پیش باز روم و چون طاعتی پیدا گردد بر مرکب اخلاص نشینم.
بس که ما فاتحه و حرز یمانی خواندیم
وز پیش‌اش سوره اخلاص دمیدیم و برفت
- (۳) شاهین تیزبال افق‌ها بودم. زنبوری طفیلی شدم و به کنجی پناه بردم.
من هم آن گوهر شهبوار که از غلطانی
از کنار صدف چرخ به خاک افتادم
- (۴) کلمات را کنار زبید و در زیر آن روحی را که در این تلقی و تعبیر پنهان است تماشا کنید.
حق همی گوید نظرمان در دل است
نیست بر صورت که آن آب و گل است

۲۲- مفهوم کدام بیت با بخشی از عبارت زیر تناسب ندارد؟

«سودای عشق از زیرکی جهان بهتر ارزد و دیوانگی عشق بر همه عقل‌ها افزون آید، هر که عاشق نیست، خودبین و پرکین باشد و خودرأی بود. عاشقی بی‌خودی و بی‌رایی باشد.»

- (۱) به دشت عشق ای یاران کدامین ابر می‌بارد
که غیر از درد و رنج و غم نمی‌بینم گیاهش را
- (۲) خرد گنجشک دام ناتمامی است
ولیکن عشق سیمرغ معانی است
- (۳) قصه جمله جهان را همه کتبی دیدیم
عشق بر جمله ذرات زیادت آمد
- (۴) پیچیدن سر از دو جهان افسر عشق است
برخاستن از جان علم لشکر عشق است

۲۳- مفهوم عبارت «متوجه شدم که قدرت قلم این نویسنده تا چه حد بوده که فرهنگ و تمدن فرانسوی را حتی در دل دهات دور افتاده ایران هم فرا برده است.» با کدام بیت قرابت ندارد؟

- (۱) مرا به نوک قلم بحری آفرید خدای
که از دوات عمان سازم از مداد گهر
- (۲) شرف گرفت به تو و دوات و قلم
چنان کجا به شهنشہ حسام و تاج و سریر
- (۳) بعد از این در خدمت از سر پای سازم چون قلم
زانکه گشتست از فراق تو سیه دل دوات
- (۴) از قلم در دست تو فعل حسام آمد پدید
دیده کس مصری قلم را قدرت زرین حسام

۲۴- مفهوم کدام بیت متفاوت است؟

- (۱) دست از مس وجود چو مردان ره بشوی
تا کیمیای عشق بیایی و زر شوی
- (۲) مسی است شهوت تو و اکسیر نور عشق
از نور عشق، مس وجود تو زر کنند
- (۳) دل و جان بسته زلفت به رخت مهر چه ورزم
عشق را شرط نخستین چه بود ترک علائق
- (۴) خاکسارانی که راه عشق را طی کرده‌اند
آسمان‌ها را مکرر در رکاب افکنده‌اند

۲۵- در کدام ابیات به ترتیب مفاهیم زیر دیده می‌شود؟

«مردم‌گریزی / یکسانی همه نزد عشق / مستغرق راه عشق / گستردگی عشق / توکل»

- (الف) تو خفته‌ای و نشد عشق را کرانه پدید
تبارک الله از این ره که نیست پائانش
- (ب) چشم مستش نه همین غارت دین و دل کرد
که به یک جرعه مرا بی‌خود و لا یعقل کرد
- (پ) حزین از مردم دنیا نه‌ای، پایی به دامن کش
ز باغی که آشیان زاغ شد کنج قفس بهتر
- (ت) عجز و قدرت نشود مانع بی‌باکی عشق
خانه شاه و گدا در ره سیلاب یکی است
- (ث) گر شیشه امکان شکند سنگ حوادث
من طاقی از ابروی پرزاد تو دارم

(۱) پ - ت - ب - الف - ث (۲) ب - پ - الف - ت - ث (۳) ت - ب - پ - الف - ث (۴) پ - ت - الف - ب - ث